

از لابلای نیشته های روزمره

تشکیل گروه‌بندی‌هایی بمنظور بی‌ثباتی کشور وتداوم

جنگ نیابتی در برابر ایران و چین

در اینجا قبل از همه، یادآور باید شد از آنجاییکه ایالات متحده و ناتو بمثابه بازیگران عمده در قضایای کشور محسوب می‌گردند و در حالیکه در اهداف ستراتیژیک آنها تغییر اندکی بمشاهده میرسد، با وجود آنهم، طی ماه‌های اخیر، ماهیت و سرشت جنگ در افغانستان بطرز چشمگیری تغییر نموده است. اداره جورج دبلیو بوش، تقریباً حدود چهارده سال قبل، جنگ در کشور ما را اعلام داشت و این جنگ تاکنون که کنون است، با تمام سبعتش همچنان ادامه داشته و از افغانها قربانی می‌گیرد. اینک در این اواخر، یکی از جمله ژورنالیستان امریکایی چنین اظهار داشت که از همان نخستین روزهای یورش نظامی ایالات متحده به افغانستان تا کنون، در اهداف ستراتیژیک قصر سفید بارتباط کشور اخیرالذکر کوچکترین تغییری بمشاهده نمیرسد. چه ایالات متحده در صدد آن می‌باشد تا تسلطش را بر کشورهای آسیای میانه تحکیم بخشیده و با کنترل دول متذکره به تطبیق عملی سیاست‌هایش بپردازد.

در شرایط و وضعیت کنونی، افغانستان بار دیگر به مرکز تصادمات و برخوردهای نظامی و خونین دولتهای مختلف مبدل گردیده است. کشورهای چین و ایران امیدوارند تا پس از خروج قسمی نظامیان ایالات متحده از افغانستان، موفق به ایجاد و تداوم همکاری‌هایی با کشورهای خسته از جنگ گردند. اما واشنگتن در چنین شرایطی، ادعا می‌گردد که در آخرین ردیف و در قطار نهایی قرار خواهد داشت.

با هدف مقابله با چنین تمایل، ایالات متحده امریکا به ایجاد گروه «دولت اسلامی» پرداخت که بطور قانونی نیروهای مزدور امپریالیسم غرب محسوب میگردند. در شرایط و وضعیت کنونی، طالب ها، بصورت کل یک انتخاب خواهند داشت و آن، عبارت از نزدیکی با ایران میباشد که در طول مدت زمان یک دهه بمثابة رقیب خطرناک محسوب میگردید.

پیدایش گروه «دولت اسلامی» در افغانستان، آنهم پهلو به پهلو با خروج نیروهای نظامی ایالات متحده و ناتواز کشور، طالب ها را به یک ازدواج مصلحتی و نه اتحاد آشکار با ایران واداشت. این سناریو دوران فهم نمیباشد که چند سال قبل، تأیید و پشتیبانی اهل تشیع از طالب های اهل سنت به لطف شرایط در حال تغییر جنگ در افغانستان به واقعیت مبدل گردید. هرچند ممکن است این مسأله را پذیرفت که اتحاد اینچنینی، در شرایط حاضر، از عناصر مهم و قابل ذکری در وضعیت فعلی افغانستان محسوب میگردد، اما اینرا باید نیز در نظر داشت که اهمیت آن بسیار بیشتر از تغییر توازن قوا در سطح کشور میباشد. بعوض آن، در شرایط و حالت کنونی، افغانستان بخودی خود، مبدل به درگیری نیابتی میان ایالات متحده و متحدین غربی و کشورهای خلیج از یکجانب و ایران و بعضی از کشورهای غیر عربی و درگام نخست چین با دیگران گردیده است. اگر رئوس مطالب و موضوعات مربوط به درگیری بصورت همزمان و با حفظ اصالت کلام و بصورت مستقیم با اطلاع همگان نمیرسد، فقط باین دلیل میباشد که وسایل اطلاعات جمعی در غرب و تمامی دستگاهها و وسایل شرکت های مربوط بدان، درگیری ها را در زمینه متن آن مورد مطالعه و بررسی قرار نمیدهند. روایت از افغانستان و حوادث مربوط به کشور ما به اندازه و مقیاس تمامی موارد و قبل از همه در مورد تروریسم و درباره استقرار امنیت، امکانات و پوتنسیال ملی دفاع و حراست از آن باید مورد بحث و مذاقه قرار داده شود. یاد آور باید شد که عدم درک واقعیت های مربوط به جنگ امروزی در کشور و عدم تشخیص اولویتهایی که بزودی در دستور کار قرار میگیرد، به یقین کامل که سردرگمی ببار میآورد.

آیا این دستور کار جدید مملو از خطر و ریسک نمیباشد؟ و آیا در اینجا سخن از آینده افغانستان و آسیای مرکزی مطرح بحث میباشد؟ اما ذکر این موضوع لازمی بنظر می رسد که در اینجا سخن حول چسبیدن ایالات متحده با کشورهای معینی میچرخد تا به تشکیل و ایجاد ژاندارمی در منطقه مبادرت ورزیده و همچنان، در صدد دستیابی به بهانه ای بمنظور حفظ حضور پر قدرت و موجودیتش در میدان بازی می باشد.

بالینحال، در طول مدت زمان چندین هفته، جنگجویان گروه «دولت اسلامی»، در ولایت غزنی مجرمین را سر بریدند، مسوولیت حادثه متذکره و این شیوه جدید کشتن مجرمین را گروه نامبرده بر عهده گرفت، با چنین وضعیتی و با پیدایش و ایجاد نیروهایی از این قبیل، بیش از هر موقع دیگر، این مسأله باثبات میرسد که در طبیعت قضایای مربوط به کشور ما، دریایی از تعارض موجود میباشد.

یاد آور باید شد که در وسایل اطلاعات جمعی غربی، بوفور داستانهایی از مبارزه طالب ها و تحرکات آنها آنهم تحت لوای «دولت اسلامی»، بخصوص پس از اینکه همکاری میان دو گروه نامبرده صورت گرفت و مهاجرتهای ثابت جنگجویان طالب ها به قلمرو «دولت اسلامی» تکوین پذیرفت، بمشاهده میرسد. حوادث ماههای اخیر، عملاً باثبات رساند که میان گروه های نامبرده تضادها و ضد و نقیض گویی هایی هم عملاً موجود میباشد و حتی اینکه گروه های جداگانه طالب ها و «دولت اسلامی» در بسیاری از حالات باهم جنگیده و درگیری های شدیدی باهم داشته اند، چنانچه در این مورد عبدالحی اخند زاده،

معاون کمیسیون امنیت ملی پارلمان کشور در ماه جون سال روان طی مصاحبه ای با «دویچه ولی» چنین یادآور شد:

«باشندگان محل و همکاران خدمات امنیتی تأیید نمودند که «دولت اسلامی» در ولایت ننگرهار، در حدود ۱۰ - ۱۵ نفر از جنگجویان طالب را به قتل رساندند، طالب ها که مدت زمان طولانی در افغانستان جنگیده اند، با ظهور و پیدایش «دولت اسلامی» تهدیدهایی را متوجه مواضع و موقعیت خود عملاً مشاهده مینمایند که طبعاً آنها (طالب ها) باین سادگیها از منافع و مواضع شان منصرف نگردیده و آنها را از دست نخواهند داد، اما در شرایط و وضعیت کنونی، هر دو گروه مصروف جنگ و نبرد باهم میباشند تا در منطقه، بیش از پیش به حضور خویش تداوم پررنگ بخشیده و بمنظور سرنگونی اقتدار کنونی افغانستان به جد و جهد خویش ادامه خواهند داد» . در مقطع کنونی این مسأله قابل تذکر میباشد که در حال حاضر، چنین درگیری، بخودی خود نشاندهنده گسترش جنگ میان جنگجویان «دولت اسلامی» و طالب ها میباشند . بیشتر مواقع ، جنگ عمدتاً علیه حاکمیت کنونی در کشور و علیه نیروهای امریکایی و ناتو سوق و اداره میگردد، اما متذکر باید گردید که گروههای رقیب، عمدتاً بمنظور تسلط بر میدان جنگ و کسب قدرت سیاسی، باهم در جنگ و نزاع میباشند . البته بکمک تحلیل و تجزیه و بررسی منافع کلیدی در این عرصه، میتوان ماهیت واقعی حامیان و محرکین اصلی برخوردهای کنونی را در مقطع زمانی که دنیای ارواح، گروههای تروریستی و ارتشهای نیابتی را بروز روشن بارمغان آورد، ریشه یابی کرد .

اکنون این مسأله بیش از این نمیتواند در ابهام باقی ماند که «داعش»، دستاورد و تحفه فعالیت سازمانهای استخباراتی غرب میباشند . این واقعیت سرسخت را باید پذیرفت که ایالات متحده بصورت مستقیم و غیر مستقیم به ایجاد و گسترش «دولت اسلامی» کمک نمود تا در تطبیق و دستیابی به اهداف آنها در سوریه و عراق ممد واقع گردد . بخاطر باید آورد که طی سال ۲۰۱۲ ، ایالات متحده به عمل فوق متوسل گردیده و بصورت آگاهانه در پیدایش گروه «دولت اسلامی» و درپخش و گسترش ساحه عملکردش که عمدتاً در امر مبارزه برضد رژیم بشارالاسد در سوریه بکار گماشته میشد، نقش عمده و بارزی ایفا نمود . در این اواخر اسنادی بدست آمده که گواه انجام تلاشهایی بمنظور ایجاد و برپایی حاکمیت سلفی در شرق سوریه میباشند تا کشور متذکره را بمثابه عمق ستراتیژیک اصالت اهل تشیع در عراق و ایران، بیش از پیش منزوی سازد .

علاوه بر آن، استخبارات کشور ترکیه به معاونت «دولت اسلامی» پرداخته و زمینه های عبور جنگجویان گروه نامبرده را از طریق کشورش به سوریه مساعد نموده و همچنان در دفاع از فعالیتهای تروریستی از جمله در ایالت سیکیانگ چین نیز تلاشهایی را بخرچ میدهد . در مورد متذکره حتی جوبایدن معاون رئیس جمهوری ایالات متحده اظهار داشت که:

«متحدین ما در منطقه، بخصوص در مورد مسایل سوریه، به معضل بزرگی برای ایالات متحده مبدل گردیده اند . ترکیه از بزرگترین دوستان ما محسوب میگردد، سعودی ها، اماراتی ها و غیره نیز از چنین جایگاهی برخوردار بوده و در همان موقف ترکیه قرار داشتند . توسط آنها صدها میلیون دالر و دهها تن اسلحه برای آنانیکه علیه حافظ الاسد میرزمنند، اختصاص داده میشود . علاوه بر آن، این عرضه سلاح و ارسال مقادیر هنگفت پولی به جانب جبهه النصره و القاعده و سایر بنیادگرایان جهادی که از سایر نقاط جهان گرد هم آمده اند نیز تحویل داده میشود» .

متذکر باید گردید که بمنظور مقابله با «دولت اسلامی»، گروه طالب ها طرف ایران را گرفتند. گرچه تهران بصورت رسمی در مورد تحویلدهی و یا ارائه معاونتهای مالی و پولی به طالب ها اظهار نظری ننموده اما منابع مسوول در منطقه اظهار میدارند که چنین کمکها و معاونتهایی از جانب ایران صورت میگیرد. یکی از مقامات بلند پایه دولت افغانستان به وال ستریت ژورنال اظهار داشت که در آغاز امر، کمکهای ایران به طالب ها شامل معاونتهای مادی و پولی میگردید، اما بعداً به آنها امکان تعلیم و تربیه و اجرای تمرینات نظامی واستفاده و کاربرد سلاح در کمپهایی واقع در شهرهای تهران، مشهد، زاهدان و ایالت کرمان نیز مساعد و مهیا گردید. اگر موضوع یادشده حقیقت داشته باشد، این بخودی خود از سطح بلند همکاری های ایران و طالب ها نمایندگی مینماید.

درعین زمان، تمامی اعلامیه ها و تذکراتی که از جانب ایالات متحده و جانب افغانی در مورد پشتیبانی تهران از طالب ها بنشر میرسد، توسط مقامات ایرانی مورد تردید قرار میگیرد، این نوع نزدیکی مواضع ایران با طالب ها، برای تهران به معنای حفظ منافع کشورش در وجود این گروه میباشد، مطابق ادعای رهبران ایران، چنانچه ایران علیه «دولت اسلامی» در سوریه و عراق میجنگد، بطور یکسان، با عملکرد گروه متذکره در کشور همجوارش (افغانستان) نیز به مبارزه میپردازد.

علاوه بر آن، ایران بخوبی میداند که «دولت اسلامی»، فی نفسه، در طرح ریزی قدرت رقبای منطقوی ایران یعنی ترکیه و عربستان سعودی که هر دو از محرکین اصلی جنگ در سوریه و مسوول تحرکات بمنظور برهم زدن اتحاد میان ایران، عراق، سوریه و حزب الله بشمار میآیند، نقش مهمی برعهده دارد. بدینترتیب، ملاحظه میگردد که از نقطه نظر ایران، جنگ طالب ها علیه «دولت اسلامی» در افغانستان، بصورت قابل ملاحظه ای بمتابه تیاتر جدید در جنگ بزرگ علیه «دولت اسلامی» محسوب میگردد.

همچنان، دلیل دیگر نزدیکی و همکاریهای تهران با طالب ها، یکی هم این میتواند باشد که از لحاظ سیاسی، این سخاوتهای تهران بجانب گروه نامبرده بمنظور آن صورت میگیرد که در ترکیب دولت آینده افغانستان، بگمان اغلب، طالب ها پستهای دولتی را در اختیار خواهند داشت و با این سخاوتهای و ایجاد دوستی با آنها، تهران در دولت بعدی نیز جای پای داشته و منافعش را توسط گروههای مورد نظر طالب در دولت تأمین خواهد نمود. نباید فراموش نمود که ایران آمادگی میگیرد تا در آستانه خروج نیروهای نظامی خارجی از افغانستان، مطمئن گردد که در دولت جدید نیز از دوستان و متحدینی برخوردار میباشد، مسأله دیگر اینکه تهران درصدد آن میباشد تا در مذاکرات صلح افغانستان، بخشی از مذاکرات را تشکیل دهد تا در دولت آینده ای که پس از مذاکرات تشکیل خواهد شد، در امر اثربخشی بر اпараты دولتی دسترسی داشته باشد.

در طول مدت زمان ماههای اخیر، سراسیمگیهایی در مورد پذیرش نمایندگان طالب های علاقمند به جاذبه هاییکه در نتیجه مذاکرات متذکره ممکن بدست آید، عرض وجود نموده که بخودی خود، بشدت توازن قوا را در افغانستان و منطقه دچار دگرگونی خواهد نمود، اطلاعات بدست آمده و همچنان بررسی وقایع موجود، این واقعیت را باثبات میرساند که چین نیز در صدد آن میباشد تا در شرایط پس از خروج قوای نظامی ایالات متحده و ناتو از افغانستان، بمتابه بازیگر مهمی نقش ایفا نماید.

طی ماه جاری، اعضای هیأت افغانی با نمایندگان طالب ها در اسلام آباد بمقصد ادامه جریان گفتگوها، ملاقات نمودند، این میتواند بمتابه اعتماد بنفس غیررسمی محسوب گردد. از همه مهمتر اینکه، چین

در امور مربوط به مذاکرات هیچگونه مداخله ای را مجاز نشمرد و زمینه دید و بازدیدهای مستقیم میان نمایندگان رسمی دولت افغانستان و نمایندگان طالب ها را در سال روان مساعد و مهیا نمود.

بدین ترتیب، پکن بمثابة میانجی کلیدی در پروسه مصالحه در افغانستان و در امر رشد و انکشاف کشور ما نقش و سهم فعالی خواهد داشت.